



دانشگاه علامه طباطبائی
وزارت آموزش و ترویج
انجمن ملی پژوهش‌های روانشناسی و مشاوره
معاونت آموزش و ترویج شهرستان خرمین



روایتی از نحوه تعاملات یک آموزگار دوره ابتدایی با خانواده‌ها در آموزش‌های مجازی

فاطمه قاسمی دستجردی^۱، اعظم منصوری نیک^۲

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، مرکز امام خمینی (ره) کاشان

Fatamehg362@gmail.com

۲. دکترای روان‌شناسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، مرکز امام خمینی (ره) کاشان

Az.mansourinik@gmail.com

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تعاملات معلم با خانواده‌های دانش‌آموزان و تاثیرات آن بر میزان یادگیری و بررسی پیامدهای ارتباطات در دوران آموزش‌های مجازی است. این پژوهش به صورت کیفی، با رویکرد روایت‌پژوهی نگارش یافته است که برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته از معلم دوره ابتدایی استفاده شد. با توجه به عدم دسترسی آسان به مصاحبه شونده به دلیل شرایط کرونا، فرآیند و روند مصاحبه از طریق تماس تلفنی ثبت و انجام یافت. داده‌ها با استفاده از روش‌های کیفی کدگذاری و مضمون-یابی، تحلیل شده است که با توجه به بررسی‌ها و تحلیل‌ها، ۴۵ کد باز، ۱۰ کد محوری و ۵ کد انتخابی بدست آمده است. با توجه به یافته‌ها می‌توان دریافت که روابط معلم با خانواده‌های دانش‌آموزان می‌تواند تاثیر عمیقی بر عملکرد مثبت دانش‌آموزان در راستای آموزش و یادگیری داشته باشد درحالی‌که مشارکت خانواده‌ها در امر آموزش نیز می‌تواند جنبه‌های مثبت و حتی منفی را شامل شود. ولی باتوجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان بیشتر بر جنبه‌های مثبت مشارکت اولیا و ارتباطات با معلم، در تاثیر یادگیری تاکید کرد.

کلید واژه‌ها: تعاملات، خانواده، اولیا، مشارکت، معلم ابتدایی، آموزش مجازی

۱. مقدمه

انسان در جامعه، وظایف و مسئولیت‌هایی نسبت به دیگران دارد که باید آنها را ادا نماید؛ مانند مسئولیت در برابر خداوند، پدر، مادر، همسر و فرزند. ادای آنها متوقف بر شناخت آنهاست. پس از حقّ خدای متعال مسئولیت انسان در برابر پدر و مادر از هر مسئولیتی بیشتر است. همانطور که خداوند خالق و ولی نعمت انسان‌ها است و بندگی او و تشکر از او بر بندگان لازم است، پدر و مادر نیز در خلقت انسان نقش دوم را دارند و ولی نعمت فرزند محسوب می‌شوند؛ از این رو، پس از ادای حقّ خداوند متعال، حقّ والدین بر همه چیز مقدم است (رحیمی، ۱۳۹۱). برون فن برنر معتقد است، زمینه‌های اجتماعی که کودکان در آن زندگی می‌کنند بر رشد آنها تاثیرات مهمی دارند. سه زمینه ای که در اجتماعی شدن کودکان حائز اهمیت است، به شرح رو به‌رو است: خانواده‌ها، همسالان و مدرسه. دیانا باومریند^۱ (۱۹۷۱ و ۱۹۹۶) یک پیشگام بااقتدار درمورد مطالعه فرزندپروری، معتقد است که والدین نه باید تنبیه کننده باشند و نه بیخیال. آنها باید در ضمن اینکه برای کودکان خود قوانینی وضع می‌کنند، همزمان از آنان حمایت کرده و نیازهایشان را تأمین نمایند (بیابانگرد، ۱۳۹۳). به اعتقاد برون فن برنر، روابط بین خانواده و مدرسه یک نظام میانی مهم تلقی می‌شود. معلمان باتجربه به اهمیت درگیر کردن والدین در آموزش‌ها واقف هستند. در یک زمینه‌یابی، معلمان کمک والدین را به عنوان اولین قدم در پیشرفت آموزشی کودک درجه‌بندی کردند. با این حال، معمولاً مدارس برای ایجاد دخالت والدین برنامه‌های موثری به کار نمی‌برند (اپستاین^۲، ۲۰۰۲).

اکثر والدین درمورد آموزش فرزندان خود اطلاعات بسیار اندکی دارند، به طوری که حتی نمی‌توانند درمورد آن سوالی بپرسند و به همین دلیل، بسیاری از محاوره‌ها با این سوال والدین شروع می‌شود، «امروز مدرسه چطور بود؟» و با این پاسخ فرزند خاتمه می‌یابد

۱. Baumrind

۲. Epstein